

همه این موضوعات دچار خدشه و آسیب شده است. مادر مسیر دانشگاه دچار اشکالات شدید و هدف گم شد. این شد که ما دانشگاه را از دست دادیم و دانشگاه‌ها کمیت گرا و مدرک گرا شدند. وقتی این بستر را از دست دادیم مابقی بخش‌ها هم کم کم فاصله می‌گیرند. الان دچار سطحی نگری هستیم. به ادبیات و به هنر هم سطحی نگاه می‌کنیم.

این پژوهشگر در ادامه می‌گوید: وقتی به دلایل مختلف اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی نگاه به آموزش و نوع عملکرد آموزش و پرورش متفاوت می‌شود نمی‌توان انتظار داشت که به جامعه آرمانی برسیم. جامعه ایده آل آن است که همه پایه‌های آن سر جای خودش باشد. وقتی همه این‌ها دچار تزلزل و آسیب می‌شود نتیجه مشخص است و ما راه درست را از دست می‌دهیم و به تقلید و خودباختگی می‌رسیم.

دکتر شبستری هم با اشاره به سال‌های ۵۴ و ۵۵ و ایجاد موج ارتباط میان ایران و کشورهای عربی اشاره می‌کند و می‌افزاید: قبل انقلاب یک موجی ایجاد شد و آن گرایش به ارتباط میان کشورهای عربی و اسلام انقلابی بود و همین باعث شد نگرش به اسلام و کشورهای عرب زنده تر شود. در اوایل انقلاب هم این حرکت در مسیر انقلابی و فاصله از کینه‌ها ایجاد شد. حتی شاهد ترجمه‌های خوبی هم بودیم و تلاش شد آن تمدن بزرگ احیا شود.

وی می‌گوید: همین باعث رونق زبان عربی شد و گرایش تند و با اشتیاق شکل گرفت و فاصله‌ها را کاهش داد اما به مرور و بویژه با جنگ ایران و عراق بار دیگر توجهات به سمت دیگری رفت.

دکتر طاهر نیا نیز مقصر اصلی فاصله میان کشورهای منطقه را در گام اول مربوط به دانشگاه می‌داند: حقیقتا یکی از نواقص کاستی‌های تحصیل در رشته‌های ادبی فقدان ذوق ادبی است. آزمون و کنکوری که وجود دارد ذوق و

ادبی را نمی‌سنجند، فقط معلومات او شرکت کننده را مورد سنجش قرار می‌دهد، نه ذوق او را و خروجی کار آن چه که باید باشد نیست.

مدیر کل برنامه ریزی و نظارت پژوهشی دانشگاه تهران اضافه می‌کند: ذوق جوهر هنر است و هنر جوهر تمدن. تمدن شکوفا هنر و صنعت را با هم دارد. هر چقدر در صنعت پیشرفت کنیم و در هنر نه، راه به هیچ کجا نمی‌بریم. ما حقیقتا در زمینه هنر و تعامل هنری کاری انجام نداده‌ایم.

هنر حلقه ارتباط ایران و کشورهای عربی

بر اساس اظهارات متولیان امر در خصوص ارتباط جوامع، عمده‌ترین راهکاری که مطرح می‌شود، نزدیکی بر اساس هنر و تعاملات فرهنگی و هنری است.

دکتر طاهر نیا با گریزی به قرن ۴ و ۵ هجری می‌گوید: تمدن سازی از معبر تمدن شناسی ایجاد می‌شود. تمدن قرن ۴ ما دانش محور و دانشمند پایه است. ما باید آن مسیر را بشناسیم و پیش بیایم تا دوره معاصر. آن دوره ما اشتراک در همه چیز با هم داشتیم و الان هیچ اشتراکی تقریبا نداریم. باید یک خوانش نقادانه داشته باشیم تا تمدن امروز را بسازیم. تمدن امروز با تاکید بر دانش و کنشگری دانشمندان و هنرمندان صورت می‌گیرد و غیر از این راهی برای نزدیکی کشورهای منطقه با هم نداریم.

وی اضافه می‌کند: امروز تولیدات ادبی و هنری ما در منطقه قابل توجه است. هر دو زبان عربی و فارسی تولیدات ادبی بسیاری دارند و در زمینه سینما و هنر هفتم ایران نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه سرآمدتر است، اما آن گونه که باید تولیدات ما به کشورهای دیگر نمی‌رود و ما هم از بازار گسترده آن‌ها محرومیم. به نظر من در گام اول باید هنرمندان و کنشگران هنر را پیش بکشند و تعاملات را بر این مبنای ایجاد کنند. دکتر شبستری نیز با تاکید بر این موضوع می‌گوید: ادبیات و هنر با هم گره خورده‌اند.

مقاله‌ای نوشتیم درباره نقش هنر در ارتباط‌ها که هنر زبانی است جهانی و زبان یک قومیت یا دین یا کشور نیست و چون جهانی است و همه مردم ذوق زیباشناسی دارند، این عنصر می‌تواند بسیار در نزدیک کردن کشورها به هم موثر باشد. شهید آوینی حرف زیبایی می‌زد و می‌گفت هنرمندان گوش در آسمان و دهان در زمین دارند. قطعا هنرمند نقش بسیار مهمی در گره زدن ارتباط مردم یک کشور با مردمان دیگر کشورها دارد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اضافه می‌کند: رسانه‌های بسیاری هم تلاش می‌کنند این رابطه درست نشود و وحدت



بین

کشورهای

عربی و ایران ایجاد نشود. ما نه زبان عربی داریم و نه نژاد عربی اما کشوری هستیم که تلاش ما این است که ارتباط برقرار کنیم و تعامل داشته باشیم. این تعامل باعث قدرت بیشتر ما و نفوذ هنر و ادبیات ما در ابعاد گسترده‌تر می‌شود.

وی تاکید می‌کند: در اول سخنانم به موانع این ارتباط اشاره کردم؛ یک بخش هم فرهنگی است مانند قطع ارتباط فرهنگی با کشوری مانند مصر در اوایل انقلاب که ترس از حرکتهای انقلابی در مصر وجود داشت یا گرایش سلفی در برخی کشورها. عدم ارتباط ۴۰ ساله ما با مصر واقعا ضربه بسیاری به هر دو کشور زد. موسی بیج دو کتاب بسیار عالی از ادبیات معاصر را به جهان عرب معرفی کرد و در مصر چاپ شد و این اقدام‌ها خوب است اما بسیار محدود است و فردی است و به شکل جریان در نیامده و باعث تأسف است.

دکتر ایرانی نیز با بیان اینکه اگر موانع موجود برطرف شود می‌توان به ارتباط بهتر امیدوار بود، می‌افزاید: این مهم نیاز به کار زیرساختی و اساسی دارد و موسسات و نهادهای فرهنگی بزرگ هم باید به میدان بیایند.

وی تاکید می‌کند: سیستم سیاست گذاری هم مشوق این کار هست و آن‌ها هم به کمیت نگاه می‌کنند و صورت ظاهر و به محتوا و کیفیت نگاه نمی‌کنند. نخبگان علمی را باید جای درست گذاشت. الان جای نخبگان هم خالی است. هنرمندان هم همین طور. فضایی جهان عرب و هنرمندان را باید به هنرمندان و فضایی خودمان نزدیک کنیم. این اتفاق اصلا نمی‌افتد. مگر حرکت‌های فردی و کم اثر. من فکر می‌کنم وقتی یک مدیر نخبه‌ای به عنوان رابزن فرهنگی انتخاب می‌شود معنایش این است که مدیران بعدی هم از این روش تبعیت کنند اما ناگهان با شعارهای جوان گرایی و... روبه رو می‌شویم و حرکت‌ها بی اثر می‌ماند.



**دکتر شبستری:
ادبیات و هنر با هم گره خورده‌اند.
مقاله‌ای نوشتیم
درباره نقش هنر در ارتباط‌ها که هنر زبانی است جهانی و زبان یک قومیت یا دین یا کشور نیست و چون جهانی است و همه مردم ذوق زیباشناسی دارند، این عنصر می‌تواند بسیار در نزدیک کردن کشورها به هم موثر باشد. شهید آوینی حرف زیبایی می‌زد و می‌گفت هنرمندان گوش در آسمان و دهان در زمین دارند. قطعا هنرمند نقش بسیار مهمی در گره زدن ارتباط مردم یک کشور با مردمان دیگر کشورها دارد**

